



کار
مسکن
آزادی

ارگان رسمی فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

راه سرخ

شماره 13 -- 1392/11/15

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

یاد قیام پرشکوه بهمن ماه
گرامی باد

35 سال پیش در چنین روزهایی زحمتکشان به خیابانها آمدند با هزاران امید و آرزو برای برپا نمودن حکومتی عاری از استثمار عاری از هر گونه ظلم و شکنجه برای برقراری عدالت جنسی اجتماعی و هزاران آرزوی نشکفته دیگر. نتیجه این به خیابان آمدن در بهمن ماه رفتن شاه بود اما باز برای چندمین بار در شورش مردم بود که طبقه حاکم حيله ساز می نمود تا نگذارند که حاکمیت از ادامه مطلب در صفحه 2



19 بهمن ماه سالگرد
تقابل عشق و گلوله ،
تولد سازمان پر
افتخار چریکهای
فدائی خلق ایران
گرامی باد !

تلاشهای اپورتونیست های درون
جنبش از بدو ورود جمهوری اسلامی
به صحنه

تا کنون برای خاک پاشیدن به چشم
توده را پایانی نیست!!!
از بدو ورود به صحنه جمهوری
اسلامی که با تلاش سرمایه داری
جهانی به روی صحنه سیاسی
وارد شده بود تا راه انقلاب توده ها
را سد کند و از تعمیق آن جلو گیری
نماید و آن را سرکوب نموده و توده
ها را به خانه های خود برگرداند با
همکاری تنگاتنگ اپورتونیست های
چپ همراه بوده است .
ادامه مطلب در صفحه 2

پیام تبریک کمیته های ایالتی تهران
و کرج به مناسبت 26 بهمن ماه
روز تولد کومله سازمان کردستانی
حزب کمونیست ایران

رفقا در چنین روزی سازمان کومله به
عنوان سازمان منطقه ای در
کردستان اعلام وجود نمود و همواره
از بدو تولد تا کنون درکنار زحمتکشان
طبقه کارگر کردستان حضور داشته و
در این راه شهدای زیادی از جمله
رفقای کبیر فـواد مصطفی
سلطانی و صدیق کمانگر را تقدیم
به جنبش کمونیستی
وسوسیالیزم نموده است و
پیشمرگه های آن از بدو تولد تا
کنون همواره در برابر دشمن طبقه
کارگر بلشویک وار ایستاده و
هراسی به دل راه نداده اند ما از
اینجا دست تک تک مبارزان این
سازمان را می فشاریم و به آنها این
روز را تبریک می گوئیم و آرزو داریم
همواره در مبارزات پیش رو همچون
گذشته در جهت منافع طبقه کارگر
موفق و پیروز و سر بلند باشند .

کمیته های ایالتی تهران و کرج
92/11/15

یاد و خاطره ی آن عاشق ترین
عاشق ها آن جانهای شیفته
(جانباخته گان راه آزادی و عدالت
اجتماعی)

شهدای به خون خفته طبقه کارگر
در سیاهکل گرامی باد.

43 سال پیش در 19 بهمن ماه
1350 گروه جنگل که مدتی بود
در جنگلهای شمال کشور مشغول
به شناسایی و آماده سازی برای
بر پا ساختن یک مبارزه همه جانبه
علیه حکام شکنجه و دار و درفش
و با امید به برقراری سوسیالیسم
با حمله به پاسگاه ژاندارمری
سیاهکل و با این امید آغاز شد
که علاوه بر در هم شکستن
افسانه قدر قدرتی شاه و جزیره
ثبات بودن حکومت شاه ترس
وتوهم نهادینه شده در درون
جامعه و طبقه کارگر را شکسته و
راه مبارزه نهایی را به
ادامه مطلب در صفحه 2

داراها و ندارها در دنیا...

از آنجا که کتاب داراها و ندارها را
بصورت جزوه به چاپ رسانده و بین
علاقه مندان تقسیم نمودیم و باز
بودند کسانی که تمایل به یافتن و
خواندن این کپی ها داشتند و برای
یافتن این جزوات تلاش می نمودند
ما بر آن شدیم که هر بار بخشهایی
ادامه مطلب در صفحه 3

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی

یاد و خاطره ی آن عاشق ترین عاشق ها آن جان های شیفته ...

**یاد قیام پرشکوه بهمن ماه
گرامی باد**

چنگال سرکوب گران خارج شود در این سال نیز سرمایه داری جهانی طی سازش طبقاتی که بین سلطنت طلبان و روحانیون وجود آورد توانست از درهم شکستن ماشین سرکوب دولتی جلو گیری نماید و حکومت سرمایه را تداوم بخشد . هرچند قیام نتیجه بخش برای توده نبود اما دست آوردهای بسیار عظیمی داشت که اگر نیروهای متشکل و توده های به ستوه آمده از حکومت سرمایه داری ارتجاعی جمهوری اسلامی در قیام پیش رو آنها را به کار

ببندند . در قیام 57 اگر چه ما نتوانستیم سرمایه داری را از میدان به در کنیم و او را ساقط کنیم اما بسیاری درسهای با ارزش گرفتیم ما دیدیم که حکومت اسلامی ضد انقلاب چگونه واژه ها را وارونه نمود خود را انقلابی نامید و انقلابیون واقعی را به نام ضد انقلاب سرکوب نمود و با این سرکوب امیال سرمایه جهانی را متحقق نمود و همچنین بیاد داریم که اپورتونیسیم چپ نما نیز چگونه به چشم مردم خاک پاشید و هنوز هم خاک می پاشند .

هر لحظه جامعه آبستن حوادثی است که پیش رو داریم و باید علاوه بر به کار بستن تجارب به دست آمده از

بهمن 57 از هم اکنون باید تشکلهای مختلف خود را تحت عنوان کمیته های محلات یا کمیته دانشجویان و یا کمیته محل کار و ... بنا نهاد و در تمام مراحل اعتراضات پیش رو متشکل برخورد کرد.

سرنگون باد جمهوری جهل و جنایت اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی
کمیته های ایالتی تهران و کرج
92/11/14

طبقه و زحمتکشان بنمایند و آنها به قدرت لایزال خود باور بیاورند تا با سلاح آگاهی و تشکل خود نظام حاکم را سرنگون کرده و آینده خود را خود رقم بزنند چند سالی از آموزه های انقلابی سیاهکل و آغاز مبارزه فدائی به شکل مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد آموزه های انقلابی آنان در خیزش توده ای و قیام بهمن ماه خود را نشان داد. توده ها و بخصوص طبقه کارگر که هیچگاه یاران صادق و فداکار خود را فراموش نمی کنند و همواره از بین مدعیان یاری خود صادق ترین و فداکار ترین آنها را به عنوان بازوهای اجرایی خود بر می گزینند نیز پاسخ فداکاری های رفقا را علی رغم جو مذهبی تازه لیبک گفتند و در اول ماه می با فراخوان سازمان بیش از یکصد هزار نفر خیابان های تهران را پوشش داد و روز کارگر را گرامی داشتند .

تلاشهای اپورتونیسیت های درون جنبش از بدو ورود جمهوری اسلامی به صحنه تا کنون برای خاک پاشیدن به چشم توده را پایانی نیست!!!

که انگار فراموش کرده اند که در اوین خود چه دیده اند (هرچند که توده ایها بی که در زندان شکنجه مستقیم شده باشند اگر هم وجود داشته باشند انگشت شمار هستند و آنها کمتر به لمس کرده اند . آنها را مثل جریانهای دیگر که حتی هواداران ساده اش را چنان شکنجه می کردند نبودند اما بالاخره اگر چه نخورده اند نان گندم ولی دیده اند دست مردم) و انگار به یاد ندارند که پس از شکنجه های وحشتناک به حالت چمباتمه در حالی که چشمها مزمین به چشم بند بود باید در راهرو شب را صبح می کردند تا دوباره صبح آنها را به اتاق شکنجه فرا خوانده و روز از نو روزی از نو و یا اگر ده نمکی ایمن مزدور معروف سرمایه نا پرهیزی نمود و سی دی به نام فقر و فحشا را درست کرد آنها جشن می گیرند که بیایید دفاع کنید از این کارگردان که ملاک حال اوست انگار نه انگار که همین مزدور در دانشگاه هزاران جنایت کرده و دستش به خون بهترین های این مردم الوده است .
ادامه مطلب در صفحه 4

توده ها خوب به یاد دارند که چگونه توده ای ها امام امام می کردند و از خط کذایی آن چگونه دفاع می کردند و اگر واژه ای از دهان مسئولی بیرون می آمد آنها چگونه آن را تفسیر می کردند و رنگ بوی انقلابی به آن می دادند کلماتی مانند مستضعف و غیره را توده ای ها روی زبانها انداختند هم آنها بودند که این را تا آنجا پیش بردند تا از اعضا و هواداران خود خواستند تا انقلابیون واقعی موجود را که با نظام مبارزه می کردند را به کمیته ها یکی از ارگانهای سرکوب رژیم لوداده و همچنین به یاد دارند که در این تا بدانجا پیش رفتند که توده ها به دبیر اول آنها لقب ایت الله داده بودند این همکاریها و توجیح اعدام و شکنجه ادامه داشت تا خود آنها را مورد حمله قرار دادند پس از آن به خارج گریخته اکنون نیز برای توجیح عمل کرد گذشته خود با زره بین به دنبال آن هستند تا کلمه ای از دهان کسی از حاکمیت خارج شود و آنها ان را علم نموده بگویند نگاه کنید چنین طرز فکریایی نیز در درون این حکومت هست و دلیل اعمال قبلی ما این طرز تفکر درونی حاکمیت بود به همین دلیل است که یک روز از گنجی سعی دارند قهرمان بسازند یک روز ده نمکی را برای سی دی فقر فحشا می ستایند. یک روز عکس اکبرگنجی را در سایت خود می گذارند که روی ملحفه ای خوش نقش نگار دراز کشیده و ظاهرا بی حال است قلم فرسایمی می فرمایند و در مدح آقای گنجی و مقاومت و قهرمانیهایش تا بدانجا پیش میروند

www.kare-online.com

شماره 128 منتشر شد!
ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
شماره 74 منتشر شد!

**گر مرد رهی چه سان و چون
باید رفت
عیار وار حلاج گون
باید رفت
چون مزدک و یاران دلیر
از پای فتاده واژگون
باید رفت**

محسن رجب زاده انفرادی گوهر دشت 1362

داراها و ندارها در دنیا...

از این کتاب اقتصادی و مفید را در ستونی از این نشریه به چاپ برسانیم و از انجایکه هیچ گونه دسترسی به نویسنده محترم آن و نه هیچ دسترسی به مترجم خوب و توانای نسخه فارسی آن آقای طیفور ب. نداشتیم بدین وسیله از آنها پوزش خواسته و از آنها کسب اجازه می‌نماییم باشد که با خواندن این اثر ارزشمند که اقتصاد کشورهای جهان سوم را تشریح و توضیح داده است و بهره‌ای که خواننده‌گان از آن می‌برند این عزیزان خرسند گردند. و این خود-سری ما را بخشنند.

هیئت تحریریه نشریه راه‌سرخ

92/11/11

داراها و ندارها در دنیا

بخش اول:

پایان شب سیه سپید است؟

موزامبیک مارس 1995

ماسه‌های نرم ساحلی زیرآفتاب تند بر زمینه افق بی‌انتها درایی ژرف آسمان. ماه مارس 1995 است و من طبق عادت اروپایی‌ها خود را به دریا رسانده‌ام تا بعد از یک هفته کار بی‌وقفه دز پروژه تربیت معلم استراحتی کرده باشم چند هفته‌ای است که مشغول کار این طرح در موزامبیک هستم. ماکانتا در فاصله چندین کیلومتری شمال مپوتو قرار گرفته است. اقیانوس اطلس با موجهای بلند و موزون خود سرریز می‌شود قبل از اینکه دراز بکشم و تن سفید اروپاییم را به آفتاب به سپارم خودم را در آب پر نمک می‌اندازم. پاترنو (صاحب) اجازه بدهید نگهبانی لباسهای صاحب را بدهم. پسر بچه‌ای با لباس پاره جلوم سبز شد. گدا به نظر می‌آمد اما کنجاکو وضع من هم بود.

صاحب تنم می‌لرزد وقتی مرا با این اسم استعماری سرشار از تحقیر و در عین حال غرور صدایم می‌زند اما تصمیم می‌گیرم خواهش ایساک را بپذیرم. زندگی او از راه مراقبت و نگهبانی از لباس‌های گران‌قیمت توریست‌ها تأمین میشود.

چند پول سیاه‌گیرش می‌آید. ایساک ده‌ساله به نظر می‌رسد

اما خودش می‌گوید که 14 سالش است و پنج سال مدرسه رفته است. او در یک خانه کوچک ساخته شده‌ا زنی‌های بوریا که زیاد از ساحل دور نیست با پنج خواهر و برادر و پدربزرگ مادربزرگ زندگی میکند. پدربزرگ یک قایق ماهی‌گیری دارد و پدر ایساک برای شوفری به مپوتو رفته است.

ناگهان فکر می‌کنم این تصویر را می‌شناسم این همان تابلو ماگنوس لارسن است که به دیوار کلاس درس ما در مدرسه والا آویخته شده بود. وقتی که ماگنوس در سالهای 1992

3- در رشته کشورهای درحال‌رشد درس می‌خواند آن را کشیده بود. تابلویی که تصمیم دارم برای روی جلد کتابی که در حال نوشتنش هستم از آن استفاده کنم.

تصویر من - از دید ایساک - به مثابه صاحب‌برایم دردناک است.

اما قابل‌انکار نیست من اینجا هزاران کیلومتر دور از خانه نشسته‌ام و از طبیعت غنی آفریقا استفاده می‌کنم و بعد از یک روز کار جالب با حقوق خوب در طرحی که امید می‌رود به رشد این سرزمین کمک کند در حال تمدد اعصاب هستم. رشدی که قرار است برای ایساک و 15 میلیون مردم این سرزمین امکان یک زندگی بهتر را فراهم کند.

دیدار من و ایساک برخوردی است بین فقیران و ثروتمندان در دنیا البته دیدار و برخورد نمونه‌ای نیست دیدار ما گرم و دوستانه است.

ایساک خجالتی آرام‌اما با اشتیاق از مسائل زندگیش حرف می‌زند این ده‌کرونی که من به او می‌دهم تا وقتی که دارم شنا می‌کنم مراقب لباسهایم باشم تا چند روز او را تأمین می‌کند. نمی‌دانم درباره‌من چه فکر می‌کند شاید فکر می‌کند که چرا من این همه سوال می‌کنم یا در جای دور از خانه و کاشانه چه می‌کنم؟

به هر حال من امکان کاسبی چند کرون برای او هستم. من هم شاید امیدوارم تصویر دیگری از خارجی سفید پوست به او بدهم.

این سفر هشتم من به سرزمینهایی است که جهان سوم خوانده می‌شوند (اگر بخواهم

سفرهایم را به کشورهای بالتیک شوروی سابق هم به حساب بیاورم یازدهمین سفر است. کشورهای که تشابه زیادی با سرزمینهای آفریقایی و آمریکای لاتین دارند.) درست مثل سفرهای پیشین می‌کوشم طرحی را بینم شمایل مکانیزم‌ها و دلایلی که در پس پدیده‌ها و انسانهایی است که با آن برخورد می‌کنم.

اینجا در موزامبیک در مارس 1995 می‌خواهم تصویر فشرده‌ای از آن چیزی را بینم که اغلب ما آن را در حال رشد خطاب می‌کنیم. شکافهای عمیق بین داراها و ندارها گرسنگی و فقر بی‌کاری گسترده و جامعه‌ای دو تکه شده با نشانهایی عمیق از سیستم استعماری کهن مبارزه‌ای مداوم برای تأمین نان روزانه مبارزه‌ای که رشوه‌ظلم و خشونت را بوجود می‌آورد. در مقابل تصویر ثروتمند شدن سبب می‌شود زندگی سرشار از شادی و امید گردد.

موزامبیک در 1995 یکی از فقیرترین سرزمینهای جهان و یکی از جوانترین کشورهای تازه استقلال یافته است.

مجدد بیست ساله‌ایکه بعد از دوران کودکی پراز بیماری و بزرگ‌شدنی مالمال از درد حالا می‌خواهد امکان داشته باشد که راه‌پرفراز و نشیبی را به طرف رشد طی کند. شروع سخت بود. در حالی که در سالهای دهه 1960 بخش بزرگی از کشورهای آفریقایی استقلالشان را بدون جنگ بدست آوردند استعمار پرتغال تا نیمه‌های دهه 70 باقی بود.

موزامبیک هم مثل مستعمره‌های دیگر پرتغال یعنی انگولا گینه‌بی سائو و کاپ ورده بعد از سالها جنگ استقلالش را بدست آورد جنگی که سرانجام باعث سرنگونی حکومت دیکتاتوری نظامی پرتغال شد.

زمانی که فرلیمو جنبش‌رهایی بخش ملی موزامبیک در سال 1975 در سرزمین ازاد شده قدرت را بدست گرفت مردم مشتاق و خوشبین بودند. آنها روی آموزش و بهداشت و تعقیب ساختار استعماری قدیم سرمایه‌گذاری کردند. اکنون به جای کشت اجباری لعنتی محولات مورد نیاز استعمارگران می

باید کشاورزی در جهت نیازهای مردم رشد کند فکر این بود اما بعد از مدتی متوجه شدند که جنگ علیه فقر بسیار مشکل تر از جنگ برای کسب آزادی است و قهرمانان جنگ رهایی بخش به این ساده گی به کارمندان لایق تبدیل نخواهند شد. به جای بالا بردن تولید کشاورزی فرلیمو مردم را به تولید جمعی و انبوه تشویق می کرد و این خود باعث بیشتر شدن فقر بدهکاری و نارضایتی شد. آنها ناچار شدند باور کنند که دنیای دیگری در پیرامون وجود دارد نزدیکتر از همه همسایه قدرت مند شان افریقای جنوبی بود. برای این کشور اپارتاید رشد سوسیالیستی در موزامبیک یک تهدید بود. سازمان رنامو با پشتیبانی افریقای جنوبی تجاوز را آغاز کرد و چندی نگذشت که جنگ داخلی ویرانگری شروع شد. رنامو پسر بچه هایی را که بزور به جنگ کشانده بود وادار می کرد پدر مادر های خودشان را بکشند و ستا نشینان را به وحشت بیندازند بیمارستانها و مدارس را به آتش بکشند معلم های مدارس و اهالی روستا ها را اسیر کنند یا به قتل برسانند.

ترور و جنگ داخلی بیش از ده سال طول کشید نتیجه: صدها هزار کشته ملیونها آواره و معلول و فلج بود بیمارستانها و مدارس ویران شده پلها و جاده ها زمین های کشاورزی درهم کوبیده شده صلح در 13 اکتبر 1992 به موزامبیک باز گشت شعار اولین سال صلح را تا ابد پاسداری کنیم بر پارچه هایی به رنگ ابی آسمانی مزین به نقش کبوتری سفید این امید واری را می داد که صلح تا ابد بپاید.

دو ملیون موزامبیک که در مدت ده سال جنگ مجبور شده بودند. کوچ کنند در حال بازگشتن به خانه هایشان هستند.

عده ای بخت یارشان بوده خانه و مزرعه شان باقی مانده اما بیشترشان باید از اول شروع کنند خانه بسازند زمین شخم بزنند و کشت کنند خرابی های این جنگ طولانی زیاد بوده است گفته می شود نیمی از مدرسه ها ویران شده است در زمینها تعداد زیادی مین باقی مانده است.

ادامه در شماره بعد

سیاهکل شعری از رفیق کبیر بیژن جزینی

بر شما باد آخرین بدرود
بر شما باد آتشین سوگند
بر شما کز قطره های خونتان
بر دشت مردستان
هزاران لاله روئیدست
بر شما سوگند
بر شما بدرود
ای عقابان بلند اوج
ای پلنگان غرور خاک
ای همه مردی همه پاکی
در این دوران نامردی و نا پاکی
با شما بدرود
بر شما سوگند
شما چون ابر باریدید
بر این شوره زار
خشک بی پایان
شما چون شیر غریدید
بر این شهر سکوت آگین سنگستان
شما از اوج خود
در عمق جنگل ها فرو رفتید
و اوای خوش اهنگ مسلسل هایتان
در آن شبان سرد ظلمانی
خبرها داشت از فردای
شورانگیز انسانی
و فریاد شما در شهر بر هم زد
سکوت و خواب خوش بر خیل بدکاران
که در هر نغمه ای با ساز اربابان
به خاک و خون کشیده
پیکر بی جان ملت را
کنون بر خویش
می لرزند و می ترسند
ز رزم گرم خشم آگینتان
وز عزم پولادینتان
ای پاک بازان
پاکتر مردان
قسم بر آتش گرم مسلسل ها
که سوزاند ست
تخم یاس را در عمق قلب ما
که تا جان در بدن داریم
و با قلبی که اکند ست از مهر
وطن
و ز شور ازادی
قدم در راه بگذاریم
وسر در راهتان بازیم
و طرحی نو در اندازیم

تلاشهای اپورتونیست های درون ...

یادشان رفته یا بهتر است بخوانیم می خواهند فراموش کنیم که همین اینها چه گلویی پاره می کردند روزگاری به دفاع از خامنه ای برای خط امامی بودن او و اصلاح خواهی وی.

اینان از همان روزهای ابتدایی جمهوری اسلامی تمامی توان خود را به کار گرفتند تا با خاک پاشیدن به چشم توده ها و با همکاری های عملی با نظام جمهوری اسلامی را تثبیت نمایند و حالا نیز با تمام توان سعی بر این دارند تا از جناحی از رژیم دفاع نموده و با دفاع از آن جناح علاوه بر توجیح اعمال گذشته خود از هرگونه رادیکال شدن جنبش جلوگیری نموده و توده را از سمت و سو گرفتن به سمت انقلاب منحرف نمایند.

عده ای آمدانه براین می کوشند و در جهت سیاست های سرمایه قدم بر می دارند و عده ای نیز به دنباله روی از آن عده به این عمل کمر بسته اند شاید در این رهگذر بارانی بیبارد و ترک های دیوار مخدوش شود. غافل از اینکه توده ها حافظه تاریخی دارند و اعمال گذشته آنها را هرگز فراموش نخواهند کرد.

مسعود 92/11/13

برای تماس با سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست یا ارگانهای
آن با یکی از آدرس
های ذیل تماس بگیرید.
روابط عمومی سازمان
webmaster@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karaj@fedayi.org
کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org